

آمیولانس

آمیولانس، آشغالانس نیست

● **پوریا عالمی:** کیم جونگ اون، صاحب کره‌شمالی که کره‌شمالی را از پدش ارث برده است که توی کره‌شمالی دست‌برقضا تعداد زیادی مردم هم زندگی می‌کنند که الان مال صاحبشان هستند و کیم جونگ اون هم مثل ناصر ملک‌مطیعی است که در فیلم‌فارسی‌ها روی ناموش حساس بود و دوست نداشت از خاله بیرون برود یا با کسی معاشرت کند یا آفتاب‌مهتاب ببیندش منتها خودش هرروز می‌رفت بیرون و همه‌چیزی می‌دید و همه‌کاری می‌کرد، آخرش هم دونفر را با چاقو می‌زد بعد یکی هم می‌خواباند زیر گوش ناموش پس کیم جونگ اون هم مثل ناصر ملک‌مطیعی روی مردم کره‌شمالی حساس است و چون حساسیت دارد مرتب جوش می‌زند و اینترنت و مخابرات و تلفن و موبایل و هوا و نفس کشیدن را برای مردم کره‌شمالی ممنوع کرده که پاکیزه بمانند و گمراه نشوند پوووف چه جمله دراز بی نقطه و ویرگولی شد و حالا خلاصه‌اش کنم اینکه کیم جونگ اون گم شده است. آگاهان معتقدند کیم جونگ اون الان توی کار شوهرعمه‌اش است چون ذاتا معتقد است شوهرعمه‌هایش توی کار او هستند و این یک مساله فرویدی - سیاسی است. گفته می‌شود کیم جونگ اون که شوهرعمه قبلی‌اش را کشت، حساب کار نه‌تنها دست عمه‌اش که دست همه‌عمه‌های دنیا آمد اما شوهرعمه‌های کیم جونگ اون قضیه را نرفتند برای همین کیم جونگ اون در حال حاضر دارد روی دستور غذای جدیدش که سوپ شوهرعمه است کار می‌کند. به نظر ما هیچ فرقی ندارد کیم جونگ اون واقعا گم بشود یا نشود چون به تعداد مردم کره‌شمالی - دوتا کمتر یا بیشتر- ما کیم جونگ اون داریم. دلیل این حرفمان هم این نیست که کره‌شمالی‌ها شبیه هم هستند، که دلیل خنده‌دار ولی دلیل بد و مسخره‌ای است. دلیلمان این است با فیلم‌هایی که ما از کره‌شمالی دیدیم و طوری که کیم جونگ اون مردم کره‌شمالی را از دنیا دور نگه داشته و آنها رسماً او را می‌پرستند و همه سعی می‌کنند مثل او فکر کنند و حتی مدل موهایشان را بزنند، ما الان با یک کیم جونگ اون مواجه نیستیم و با یک لشکر کیم جونگ اون مواجهیم. البته یکسری از ناظران بین‌المللی می‌گویند کیم جونگ‌اون در آمبولانس روزنامه «شرق» پنهان شده است که آمبولانس‌چی با تکذیب این خبر تاکید می‌کند آمبولانس آشغالانس نیست، کیم جونگ اون که جای خود دارد. البته الان مادر آمبولانس‌چی زنگ می‌زند و می‌گوید حرف بد؟ و آمبولانس‌چی می‌گوید آدم حرف بد بزند بهتر از این است که کار بد بکند و مادر آمبولانس‌چی می‌گوید واقعا داری حیف می‌شوی. این جملات را باید با خط‌خوش نوشت که آدم حرف بد بزند بهتر از این است که کارد بد بکند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۳ • ۱۷ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ • ۱۲ اکتبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۲۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۳۳ • اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

روزنامه‌رو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

بحران در خاورمیانه



پسرای عمو صحرا

آرزوی تو؛ آزادی من



خیلی هزینه می‌خواهد. بعضی وقت‌ها گنجشک‌هایم را کسی نمی‌خرد. همین طرف سال، دومیلیون تومان ضرر کردم چون اگر گنجشک‌ها را دیر آزاد کنم از بین می‌روند و تازه، دلم هم نمی‌آید بروم آنها را به آقا اسدالله پس بدهم. در روزهای بدم، آخر وقت می‌روم نزدیک ساختمان دادگاه کنار پیاده رو می‌نشینم و وقتی یک دل سیر به گنجشک‌هایم آب و ارزن کیلویی چهارهزار تومان دادم، در قفس را باز می‌کنم و بدون آرزو همه را آزاد می‌کنم. من بلد نیستم زیاد آرزو کنم. شاید هم سخت است که با آزاد شدن ۵۰، ۴۰ تا پرندۀ این همه آرزو کرد. فکر می‌کنم آرزو کردن هم خودش سواد می‌خواهد و برای جدیدی‌هاست. حسین درباره قیمت آزادی پرنده‌ها می‌گوید: اسمال مجبور شدم قیمت را بالا ببرم. خودم در خانه گنجشک را سه‌هزار و ۵۰۰ تومان می‌خرم. کرایه ماشین هم دارم و خلاصه آزادی از عید تا حالا پنج‌هزار تومان خرج بر می‌دارد، اما خب اگر ببینم کسی کم پول است می‌گذارم با چهارهزار تومان هم دستش را ببرد در قفس و یک پرندۀ خدا را آزاد کند. همیشه به آدم‌ها می‌گویم: آرزو یادتان نرود. شما دارید ثواب می‌کنید و خدا الان شما را بیشتر دوست دارد. حسین سرپرست یک خانواده هشت‌نفری است و به‌تازگی پدربزرگ شده. اسم نواش را گذاشته «آرزو» و برای دخترک سه‌ماهه‌اش با پول آزاد کردن گنجشک‌ها، لباس نوزادی می‌خرد. از همان‌ها که در کارگاه‌های بازار تهران با دریافت وجه اندکی به خانواده‌ها می‌فروشند. آرزو شاید پاییزی‌های آینده، با داشتن پدربزرگ محیط‌زیستی گمنامش، شاخسارهای پر پرندۀ تر و شهر بهتری داشته باشد.

همیای آوارگان عراقی-۳

عبور از «باشماق»

پاسپورت‌ها را مهر می‌کند مدام توضیح می‌دهد که با این پاسپورت فقط می‌شود در اقلیم کردستان تردد کرد و سفر به کربلا و کاظمین و نجف غیرممکن است. سلیمانیۀ و دیگر شهرهای کردستان هم که جایی برای زیارت ندارد، اما هنوز مسافران باید عوارض خروجشان را در وجه «زیارتی» واریز کنند. هر مسافر ۲۵ هزار تومان و تازه اتفاقی که بعد از ۱۰ سال افتاده این است که دیگر برای پرداخت عوارض نیاز به صفایستان جلو بانک نیست؛ دستگاه کارخوانی آن نوشه هست و می‌شود با چند کلیک، قبض موردنظر را دریافت کرد. برخلاف طرف ایرانی، کار در طرف عراقی طرف چندثانیه انجام می‌شود، اینترنت آنها بهتر است و سیستمشان ساده‌تر؛ کافی است بروی جلو یک دوربین بایستی تا تصویر ثبت و با پاسپورت مطابقت داده شود. مرز را که می‌گذرانیم، اتوبوس منتظر ماست؛ تفتیش‌شده و پاک، با دو پاک پر از گازوئیل که در خاک عراق تخلیه می‌شوند.

برویم سمت ماموران. صفی طولانی درست می‌شود با دو سیستم جوابگویی، دوساعت زمان می‌برد و در وسط کار، مدام اینترنت قطع‌و‌وصل می‌شود و کار باید از اول شروع شود. برخی هم گذرنامه درست‌وحسابی ندارند یا مثلاً با گذرنامه اقوامشان می‌خواهند از مرز عبور کنند و همین موضوع انتظار را طولانی‌تر می‌کند. از میان آن جمع فقط یک زن و شوهر مسن هستند که می‌خواهند برای زیارت بروند به عراق، باقی همه یا سیاحتی هستند یا تجارتي. ولی روی برگه عوارض عبور تنها به قید «زیارتی» بودن این سفر اکتفا می‌شود. شاید از همین‌جا بشود فهمید که آمارهای سازمان میراث فرهنگی و گردشگری چرا اینقدر تفاوت دارد با آمارهای گمرکی. سازمان گردشگری مسافران این مرز را زایر توصیف و در آمارها به آن استناد می‌کند و در عوض، گمرک، ما را افرادی می‌داند که به‌واسطه عبور از یکی از تجاری‌ترین مرزهای کشور، در حال تجارت هستند. افسر اداره گذرنامه وقتی که دارد



سعید برآبادی

مسافران همیشگی ایران- سلیمانیۀ، به‌خاطر دارند که «باشماق» آن روزها این شکلی نبود، یک در کوچک بود در انتهای یک صف طولانی و نصف روز علافی برای عبور از مرز. حالا همه‌چیز را سنگ گرانتیت پوشانده. محوطه‌ای شیک و تروتمیز راه افتاده تا کم‌کم «باشماق» هم به فهرست بازارهای مرزی بپیوندد. مرز خوبی است؛ اولاً پولساز است و روزی لاقل صدنفر از آن عبور می‌کنند و دوما باعث می‌شود رفت‌وآمد غیرقانونی کمتر شود. اما همه اینها یک طرف و آن چیزی که در خود مرز اتفاق می‌افتد طرف دیگر. اتوبوس جلو محوطه می‌ایستد و ما مجبوریم با تمام وسایلمان از آن خارج شویم و پاسپورت‌به‌دست

best-selling monitor
minimal and simple design
premium and sensitive touch
transparent stand
the newest product from samsung

touch of color

game mode for computer games
playing blue ray

larger samsung monitor
minimal and simple design
premium and sensitive touch
transparent stand
the newest product from samsung

touch of color

game mode for computer games
playing blue ray

75 cm

60 cm

17 cm

MODEL NAME
SD595

سامسونگ
SAMSUNG

طراحی فاخر
LED MONITOR
24"

- قاب باریک، طراحی ساده و زیبا
- زاویه دید گسترده 178/178
- 2xHDMI/1 Speaker Out

- پنل PLS
- ارتقاء کیفیت تصویر با Magic Upscale
- افزایش هیجان در بازی توسط Game Mode

